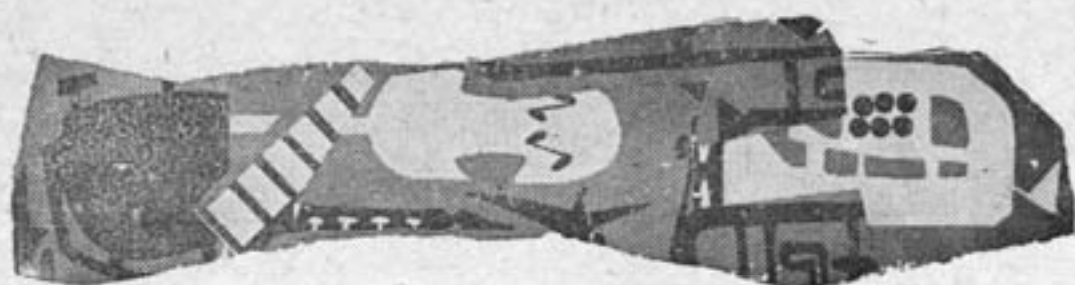


ساز شناسی ... برای همه...



هارپ

پیدایش و تاریخچه^۱

«هارپ» (Harpe) یا چنگ بدون تردید کهنسال ترین سازهای زهیست. عده‌ای بر آنند که احتمالاً اصل آن به کمان شکارچیان ماقبل تاریخ می‌رسد... قدر مسلم اینست که از روزگاران کهن چنگ در اغلب کشورهای و در نزد ملل مختلف نواخته می‌شده است. نمونه‌های گوناگون چنگ، با شکل و اندازه‌های مختلف، و متعلق بدوره‌های تاریخی مختلف، پیدا شده است و با در نقوش و مجسمه‌های کهنسال دیده می‌شود. در احادیث تاریخی و افسانه‌های کهن و کتابهای مقدس نیز از چنگ بفرآوانی اسم برده شده است. از میان شخصیت‌های افسانه‌ای یا تاریخی «آبولون» و حضرت داود را بخصوص بعنوان نوازندگان چنگ اسم باید برد.

تغییر و تکامل کمان شکاری بصورت چنگ، احتمالاً بدین ترتیب انجام

۱ - درباره «هارپ» مقاله دیگری در شماره پنجم دوره اخیر مجله موسیقی

بچاپ رسیده است.

پذیرفته است که نخست چندین کمان را بهم می بسته اند و بتدریج بجای کمان-
های متعدد يك کمان ضخیمر و محکمتری برگزیده اند .

چنگ رومی توان ساز ملی مصریان قدیم شمرد . در نقوش مصری متعلق
به شش هزار سال پیش از میلاد مسیح نشانی از چنگ دیده می شود . در حدود



دو هزار و پانصد سال پیش از میلاد مسیح مصریان چنگی می نواخته اند
که هفت سیم داشته است . در دوره های بعد چنگ هایی از مواد گرانبها
چون آبنوس و زر و سیم می ساختند و با نقوش مختلف تزیین می کردند .
انواع چنگ باندازه های گوناگون در مصر قدیم وجود داشته است . چنگ
کلدانی و آشوری معمولاً از گردن آویخته می شد . « کینور » که چنگ عبریان
قدیم بوده است غالباً از سه سیم تشکیل می شد . در دوره ساسانیان نیز چنگ
در ایران رواجی داشته است تاجائی که حتی گفته اند که چنگ مهمربین ساز
موسیقی آن دوره در ایران بوده است .

چگونگی پیدایش چنگ در مغرب زمین اندکی مبهم است . با اینحال
مسلمست که در قرون وسطی چنگ بخصوص در ایرلند و انگلستان رواجی
بسیار داشته است . از قول « هول » پادشاه انگلستان در اوایل قرن دهم نقل
کرده اند که گفته است سه چیز در خانه نجیب زاده ای موجب سعادت او است:
« يك زن پرهیزكار ، يك بالش بر روی صندلی او ، و يك چنگ خوش كوك ... »

در آن دوره نوع معمولی چنگ نسبتاً کوچک بود ، آنرا از گردن می آویختند و بر روی زانوان می نهادند . در قرن شانزدهم چنگ در فرانسه رواجی خاص یافت ولی در قرن بعد عمومیت و رونق آن اندکی از جای خود را به عود سپرد . در ایتالیا چنگ در اورکستر نیز راه یافت . در پارتیسیون اورکستر اوپرای «اورفه» اثر «موتته وردی» (قرن هفدهم) ، چنگ نیز نقشی دارد و امکانات آن بخوبی مورد توجه قرار گرفته است . چنگ مورد استعمال آن دوره دارای چهار اوکتا و نوتهای دیاتونیک بود ولی اندکی بعد بکمک گیره‌ها یا چنگک‌های مخصوصی که با دست بکار می افتاد سیمهارا کوتاوتر می ساختند و صوت آنها را نیم پرده بالاتر می بردند . در حدود شصت سال بعد چندتن از صنعتگران تمپیداتی بکار بستند و بتدریج مکانیسم رکاب («پدال») را تکمیل نمودند تا جائی که با استفاده از رکاب اجرای دو نیم پرده بالاتر بر روی هر کدام از سیمها امکان پذیر گشت . بدین گونه کلیه اصوات دیاتونیک و کروماتیک با هفت پدال قابل اجرا گردید بدین معنی که هر نوتی می توانست بصورت «بکار» ، «دیز» و «بمول» اجرا گردد . «سباستین ارار» فرانسوی که در نیمه دوم قرن هجدهم می زیست تکمیل کننده طریقه «پدال» چنگ می باشد .

ساختمان ، امکانات و خصوصیات هارپ جدید

گفتیم که انواع چنگ‌های باستانی و قدیمی از کمانی تشکیل می یافت که زهپائی بر آن می بستند . شکل اصلی و اولیه هارپ هیچگاه تغییری اساسی نپذیرفته است . هارپ جدید ، یعنی هارپی که بوسیله «ارار» تکمیل شد نیز اساساً شکل اولیه خود را حفظ کرده است . چنگ جدید بشکل مثلثی است که از طرف تنگ‌ترین زوایای خود بر روی زمین قرار می گیرد . بر روی ضلع فوقانی آن سیمهارا پیچ می کنند . ستونی عمودی از طرفی ، وجعبه طنینی که ۴۵ درجه خمیدگی دارد از طرف دیگر ، آنرا به سکو و پایه ای که بر روی زمین قرار می گیرد متصل می سازند . جعبه طنینی عضو اصلی چنگ است و بر روی شانه ترازنده تکیه داده می شود .

بر کناره پایه هارپ هفت پدال دیده می شود که هر کدام از آنها می تواند دو پله پائینتر بیاید و در دو شکاف جایفتند . هر کدام از بدالها مربوط

بیکی از نوت‌های همنام است ، مثلا يك پدال برای کلیه نوت‌های دو وجود دارد صرف نظر از اینکه دو بمول باشد یا دو دییز . چنگ معمولاً در گام دو بمول كوك میشود ، در این صورت اگر پدال مربوط به دو بمول را به شکاف اول فرود آوریم کلیه نوت‌های دو بمول هارپ نیم برده بالاتر ، یعنی دو صداهند داد ، و اگر همان پدال را به شکاف پائینتر فرود آوریم دو دییز را بدست خواهیم آورد . مکانیسم پدال‌ها موجب می‌شود که سیم‌ها در اثر حرکت رکاب کوتاهتر - یا بلندتر - شود . مکانیسم مزبور ، که « اصل حرکت دو گانه » خوانده می‌شود ، همچنانکه گفتیم بوسیله « ارار » تکمیل شد و در اثر همان ، اجرای کلیه اصوات بر روی چنگ و استفاده از آن در اور کستر سهولت ممکن گردید . بکار انداختن و تغییر پدال‌ها مستلزم دقتی مداوم است و یکی از مشکلات اساسی نواختن این ساز بشمار می‌رود . پیش از اینکه مکانیسم پدال با « حرکات دو گانه » تکمیل شود ، تعداد آثار جالبی که برای آن نوشته شده باشد انگشت‌شمار بود با اینحال در این میان کنسرتوی « هندل » (برای چنگ و اورگ) و کنسرتوی موزار (برای چنگ و فلوت) را نباید فراموش نمود .

در اینجا بی‌مناسبت نیست بدین نکته اشاره شود که دوره رواج فوق‌العاده چنگ در اروپا مصادفت با اواخر قرن هجدهم ، یعنی دوره‌ای که تمهید « حرکات دو گانه » پدال‌های هارپ هنوز تکمیل نشده بود و امکانات آنهم بالطبع محدود بود . علت این امر شاید آن باشد که در آن دوره هر آنچه ظرافت و لطیفی « زنانه » در خود داشت مورد توجه بود ... از طرف دیگر این چنین ظرافتی نه فقط در شکل ظاهری هارپ موجود است بلکه نواختن آن نیز حرکات و وضعی ایجاب می‌کند که خالی از همین « لطف زنانه » نیست ... نباید فراموش کرد که هارپ بیشتر سازی « زنانه » بشمار می‌رود و در زبانهای خارجی هم نام آن اسمی مؤنث است ؛ (با اینحال مردان نوازنده هارپ کمیاب نیستند ...)

برای بصدای آوردن هارپ انگشت را بر روی سیم قرار می‌دهند ، آنرا بملایمت بسوی خود می‌کشند و سپس رهایش می‌کنند . (چنگ از جمله سازهای زهی « زخمه‌ای » - یا « گزشی » - بشمار می‌رود) .

هارپ از همان قرن هجدهم ، چه بعنوان ساز سولو و چه همچون ساز اورکستر ، مورد توجه آهنگسازان قرار گرفت . پس از تکمیل تمهید «حرکات دوگانه» ، لحن وطنین آسمانی آن بیش از پیش در رنگ آمیزی اورکستر مورد استفاده قرار گرفت . «برلیوز» و



«لیست» نخستین کسانی بودند که کلیه امکانات شاعرانه آنرا دریافتند . پس از اینان آهنگسازان مکتب روس بدان التفات نشان دادند و از آن پس «دوبوسی» و «راول» از امکانات آن بهره بسیار برداشتند . در آثارهم اینانست که هارپ غالباً بکار اجرای «گلیساندو» های بسیار زیبایی گماشته شد . «بعد از ظهر یک فون» اثر دوبوسی و «مقدمه و آلگرو» برای هارپ و سازهای دیگر» اثر راول از آثار است که نمونه های خوبی از این قبیل «گلیساندو» ها را (که پس از آن بفرآوانی مورد تقلید واقع شد) در بر دارد .

هارپ می تواند اصوات فرعی (آرمو- نیک های) متعدد و جالبی ایجاد کند . («باله سیلف ها» از «برلیوز») . حدود صوتی هارپ

باینانو چندان اختلافی ندارد و آثاری که برای این دو ساز نوشته اند متقابلاً یکی بر روی دیگری قابل اجراست و بسیاری از آثار بیا نورا با اندک تغییراتی می توان بر روی هارپ نواخت .

در دوره ما آثار جالب متعددی برای این ساز نوشته اند . لحن و صوت با اصطلاح «غیرمادی» ، و بخصوص «گلیساندو» های بی نظیر آن (که به «جهش نور» تعبیر کرده اند) با آثار بسیاری از آهنگسازان قرن اخیر بر توی سحر آمیز بخشیده است که بیش از آن «شنیده» نشده بود ...